

ده شاه کلید
بزرگان بورس

ده شاه کلید
بزرگان بورس

تالیف: علی صابریان

صفحه شناسه و فيپا

فهرست

۶	یادداشت ویراستار
۸	مقدمه
۱۱	جلسه اول: شاه کلیدی که مشاوران مالی آن را به شما نمی گویند
۲۵	جلسه دوم: سرتان را بدون ریسک در دهان شیر کنید
۳۷	جلسه سوم: بزرگان بورس جزء دسته چهارم هستند. ویژگی دسته چهارم را بشناسیم
۵۳	جلسه چهارم: از فروشنده غمگین بخرید، به فروشنده شاد بفروشید
۶۹	جلسه پنجم: ۶ سؤال طلایی که بزرگان بورس به آن پاسخ داده‌اند. شما چطور؟
۸۵	جلسه ششم: قلمرو خود را مشخص کنید، خوب بشناسید و در آن حکومت کنید.
۹۵	جلسه هفتم: یک ویژگی خانمان سوز بازندگان بورس
۱۰۷	جلسه هشتم: اگر این دفترچه را ندارید، اصلاً سرمایه گذاری را کنار بگذارید
۱۱۹	جلسه نهم: ۳ گام برای صید سهم‌های شگفتی ساز بورس
۱۳۳	جلسه دهم: اگر از بیرون به زندگی بزرگان بورس نگاه کنید

یادداشت ویراستار

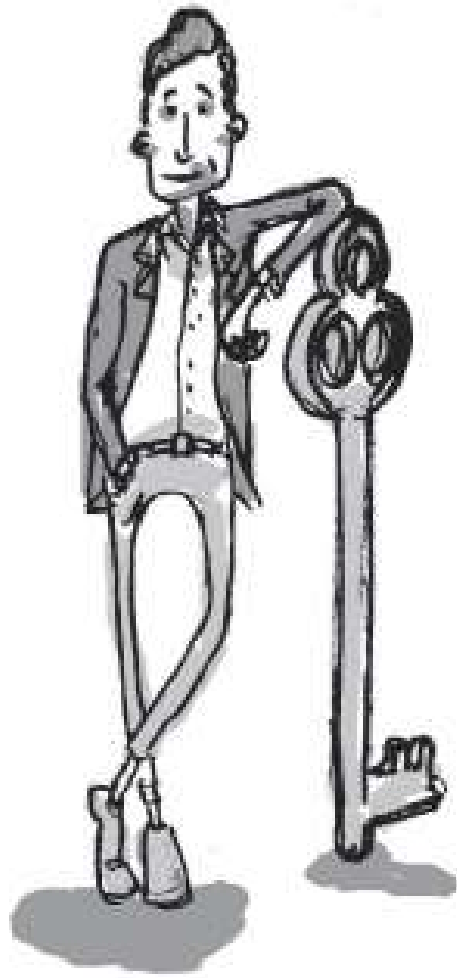
وارن ادوارد بافت یکی از تیزهوش‌ترین و موفق‌ترین سرمایه‌گذاران بازارهای مالی و بورس است. او می‌گوید: "موفقیت من بر پایه ۲ اصل استوار است: اصل اول اینکه هیچ‌گاه اصل سرمایه‌ی خود را از دست ندهم و اصل دوم اینکه هیچ‌گاه اصل اول را فراموش نکنم!"

باید بگوییم اصل دوم بسیار بسیار مهم‌تر از اصل اول است. بازارهای مالی گاهی آنچنان هیجان‌مسحورکننده‌ای دارند که باعث می‌شوند تمام عقل و منطق و قواعد و قوانینی که حتی یک معامله‌گر حرفه‌ای برای سیستم معاملاتی خود طراحی کرده است از صفحه‌ی ذهن او محو شود! انسان تحت‌تاثیر این هیجان‌ها و برای عقب‌نماندن از قافله، تصمیمی می‌گیرد که بعد از آرام شدن بازار متوجه می‌شود که آن تصمیم با یکی یا چند تا از قوانینش مغایرت داشته است.

نویسنده‌ی کتاب، قواعد و شیوه‌هایی را که یک معامله‌گر بازارهای مالی برای دستیابی به موفقیت باید به خاطر بسپرد و رعایت کند، در قالب ۱۰ اصل (شاه‌کلید) طبقه‌بندی نموده است که درست هم هست. به اعتقاد من باید ۱۰ اصل دیگر به این اصول اضافه کرد. یعنی در کنار هر شاه‌کلید بنویسم شاه‌کلید بعدی اینکه هیچگاه شاه‌کلید قبلی را فراموش نکنیم.

احمد تیزرویان

شهریور ۹۳

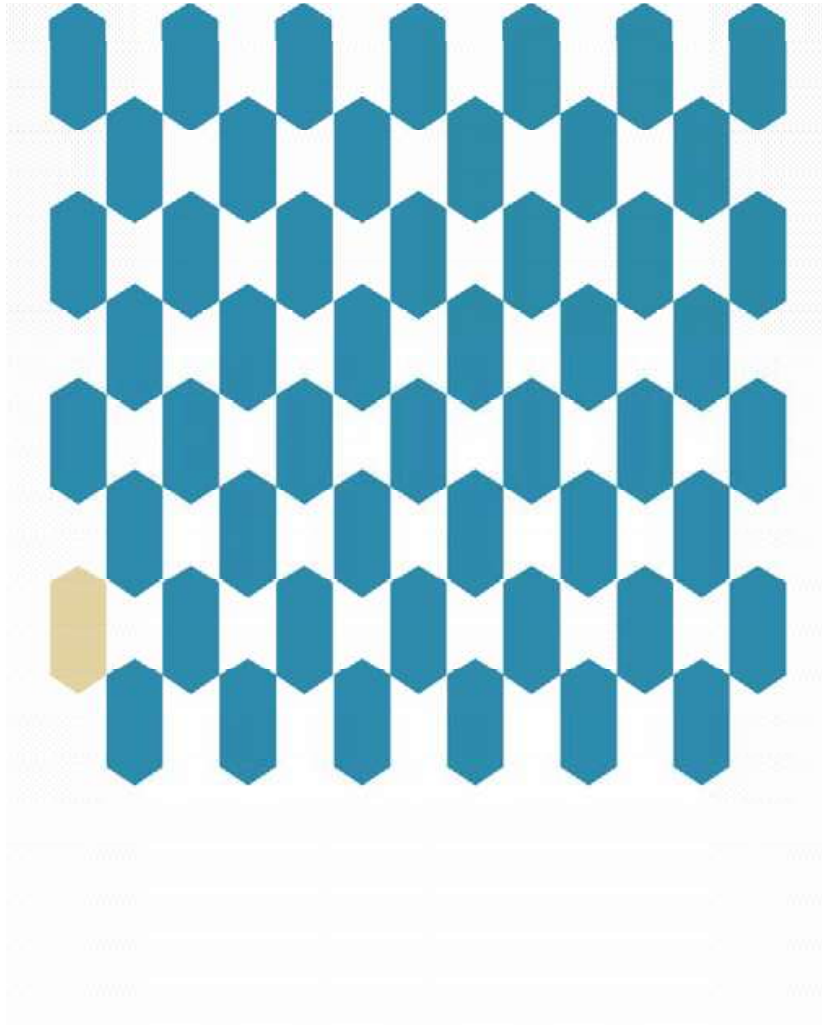


مقدمه

سلام بر شما سرمایه گذاران عزیز! علی صابریان هستم
باجلسه‌ی اول دوره‌ی شاه کلید بزرگان بورس با شما
همراهم. ابتدا توضیحی در مورد دوره‌ی شاه کلید بزرگان
بورس برای شما عزیزان ارائه می‌دهم. من هم مثل بسیاری
از عزیزان دیگر، چند سال قبل سرمایه گذاری در بازار بورس
را با هدف و انگیزه‌ی بالایی شروع کردم. متأسفانه بعد از شروع
سرمایه گذاری به نتیجه‌ی مطلوب مورد نظر خود نرسیدم،
در نتیجه به کسب تجربه و مطالعه‌ی زیاد از منابع فارسی و
لاتین در مورد سرمایه گذاری و موفقیت در بورس مبادرت
ورزیدم و سعی کردم این مطالب را با شرایط سرمایه گذاری
در بورس ایران مطابقت دهم. علاوه بر آن به واسطه‌ی کار
خود با شرکت‌های سرمایه گذاری بزرگ و کوچک همکاری
داشتم، در نتیجه با ساز و کار معاملات آن‌ها نیز آشنا شدم.
همچنین با سرمایه گذاران حقیقی موفق‌تری آشنا شدم. به
طور کلی ما در این دوره از افراد حقیقی و حقوقی موفق در
بازار بورس، به عنوان بزرگان بورس یاد می‌کنیم. بعلاوه،
با سرمایه گذاران ناموفق زیادی نیز آشنا شدم، که از آن‌ها
به عنوان بازندگان بورس یاد می‌کنیم، با آن‌ها نیز صحبت
کرده‌ام و تفکراتشان را می‌شناسم.

چیزی که شما در دوره‌ی شاه کلید بزرگ بورس خواهید
آموخت حاصل تجربه‌ی ادغام شده با علم چند ساله‌ی من
و همکارانم در ارتباط با بزرگان و بازندگان بازار است. نکته‌ی
جالب‌تر این است که من در طول یکسال در جاهای مختلف

تدریس می‌کنم و دائماً در حال دیدن و صحبت کردن و آشنا شدن با سرمایه‌گذاران مختلف هستم که این موضوع نیز بر اطلاعات من از دلایل شکست و پیروزی این افراد در بازار صحنه می‌گذارد. شاه کلیدهایی که در این دوره به شما معرفی می‌کنیم هر کدام می‌تواند شما را صدها گام به یک سرمایه‌گذار حرفه‌ای نزدیک کند، هریک از این نکته‌ها حاصل تجربه‌ی چندین ساله‌ی من، همکارانم، و بزرگان بورس است که سعی کردند بهترین باشند و بسیار ارزشمند است. سعی کنید از این نکته‌ها به نحو احسن استفاده کنید و آن‌ها را چندین بار مرور کنید تا ملکه‌ی ذهنتان شود.



جلسہ اول



امروز برای شروع می خواهم با شما در مورد یکی از شاه کلیدهای بزرگان بورس صحبت کنم که بسیار کمک می کند وارد محدوده سودهای عظیم در بورس شوید، سودهایی که می توانید ادعا کنید زندگی شما را عوض کرده است. شاه کلید امروز را بسیاری از کارشناسان و مشاوران بازار به صورت سطحی با شما مطرح می کنند اما من می خواهم به صورت موشکافانه تر وارد این موضوع شوم.

موضوع بحث امروز تنوع بخشیدن به سبد سهام است. همین حالا که این موضوع را مطرح می‌کنم اولین چیزی که به ذهن اکثر شما خطور می‌کند این است که می‌خواهم بگویم که بهترین راه برای کنترل ریسک و سودآوری مناسب تشکیل سبدی از چند سهم از گروه‌های مختلف است تا ریسک سبد را کاهش دهید! اما موضوع این نیست. تنوع بخشیدن به سبد سهام پیشنهادی است که کارشناسان بازار به صورت کلیشه‌ای و گاه اشتباه به سهام‌داران تازه وارد می‌دهند تا صرفاً جلوی ریسک سبد آنها گرفته شود و متحمل ضرر زیادی نشوند. به نظر شما تنوع بخشیدن به سبد سهام تا چه حد درست است؟ بحث تنوع بخشیدن به سبد سهام صرفاً جنبه‌ی کاهش ریسک دارد، آن هم در کوتاه مدت و میان مدت. یعنی وقتی که شما چند سهم از صنعت‌های مختلف در سبد خودتان دارید، زمانی که بازار خیلی مثبت است

بحث تنوع بخشیدن به سبد سهام صرفاً جنبه‌ی کاهش ریسک دارد، آن هم در کوتاه مدت و میان مدت. یعنی وقتی که شما چند سهم از صنعت‌های مختلف در سبد خودتان دارید، زمانی که بازار خیلی مثبت است سودی در حد شاخص دارید و زمانی که بازار منفی است ضرری در حد شاخص یا کمتر از شاخص

سودی در حد شاخص دارید و زمانی که بازار منفی است ضرری در حد شاخص یا کمتر از شاخص؛ اما هیچ وقت این لحظه را نخواهید دید که سبد سهام شما در مدت کوتاهی مثلاً چندماهه دو برابر یا چند برابر شود، این اتفاق بعید است. مثلاً فرض کنید سبد سهامتان از پنج



۵ تا سهم توی سبد از ۵ صنعت مختلف یعنی ۵ قسمت
شدن سرمایه و این کار اصلاً تخصصی نیست!



سهام تشکیل شده است و سرمایه‌تان را به ۵ قسمت تقسیم کرده‌اید و از صنعت‌های مختلف سهم دارید. فرض کنید یکی از سهام‌های شما قیمتش دو برابر می‌شود؛ یعنی شما مثلاً در عرض یک مدت کوتاه شش ماهه صد در صد در یک سهم سود می‌کنید، اگر بنشینید و حساب و کتاب نکنید می‌بینید این صد در صد سود در یک سال در کل سبد شما حدود ۲۰-۳۰ درصد سود ایجاد می‌کند. قطعاً این درصد سود، سود معقول و خوبی است؛ اما مسئله این است که آیا از این مقدار سود راضی هستید یا خیر؟ اگر راضی هستید می‌توانید به همین شیوه عمل کنید اما اگر دنبال سودهای خیلی بالاتری هستید داستان عوض می‌شود. معمولاً بزرگان بورس یک یا دو صنعت و سهم را انتخاب می‌کنند و درصد بالایی از دارایی‌های خود را روی آن صنعت یا سهم سرمایه‌گذاری می‌کنند. این موضوعی است که شاید واقعاً کم شنیده باشید. یادم است زمانی که فاسمین در قیمت هر سهم ۶۰۰ تومان و ایران خودرو ۱۵۰ تومان بود به ملاقات ریاست و اعضای یک شرکت سرمایه‌گذاری رفته بودم تا مشورت کنیم، مشاوره بدهم و تبادل نظر کنیم. درصد بالایی از سبد این شرکت سرمایه‌گذاری به این دو سهم اختصاص داشت، یعنی "فاسمین" و "خودرو". این سرمایه‌گذاری دلایل بسیار محکمی داشت که مبنی بر رشد این دو سهم بود. آن‌ها بررسی‌های کامل و دقیق روی این دو سهم انجام داده بودند از لحاظ بنیادی و تکنیکال نظرسنجی کرده بودند و بسیار مفصل این دو سهم را بررسی کرده بودند و با اطمینان

بسیار بالایی روی این دو سهم نظر مثبت داشتند و در نهایت فاسمین ۶۰۰ تومانی، تا نزدیک ۱۲۰۰ تومان در عرض کمتر از ۶ ماه رفت و یک سود صد در صدی برایشان داشت و ایران‌خودروی ۱۵۰ تومانی تا ۳۸۰ تومان در کمتر از ۵ ماه رشد کرد و این سهم بیشتر از صد در صد برایشان سود داشت. در مجموع چون در صد بالایی از سبد سهامشان را به این دو سهم اختصاص داده بودند توانستند در مدت ۶ ماه سرمایه شرکت خود را دو برابر کنند.

شاید باورتان نشود ولی چیزی که در بورس بسیار پول‌ساز است، این است که شما بتوانید به طور مستمر پولتان را دو برابر کنید. چطور این کار انجام شدنی ست؟ وقتی به همین روش بتوانید با تحقیق و بررسی یک یا دو سهم را پیدا کنید که نسبت به رشد آن‌ها خیلی مطمئن هستید، می‌توانید تقریباً در بازه زمانی چند ماهه واقعاً سهم‌هایی را پیدا کنید که سرمایه‌ی شما را صد درصد افزایش دهد و حتی گاهی اوقات بیشتر. فرض کنید شما بتوانید هر سال صد در صد از بازار سود بگیرید یعنی هر ۱۲ ماه، این زمان نسبتاً زیادی است، خیلی‌ها می‌توانند در بازه زمانی کمتری این سود را کسب کنند. اگر شما نگاهی به بازده شرکت‌های سرمایه‌گذاری بیاندازید می‌بینید که سودهای بالاتر از این نیز داشته‌اند. فرض کنید سال اول پول شما دو برابر می‌شود. ۱۰ میلیون شما می‌شود ۲۰ میلیون، با مثال عددی می‌گویم که ملموس باشد، ۲۰ میلیون تومان دارید سال دوم دو برابر

شاید باورتان نشود ولی چیزی که در بورس بسیار پول ساز است، این است که شما بتوانید به طور مستمر پولتان را دو برابر کنید. چطور این کار را می شود انجام داد؟ وقتی به همین روش بتوانید با تحقیق و بررسی یک یا دو سهم را پیدا کنید که نسبت به رشد آن ها خیلی مطمئن هستید.

شده و ۴۰ میلیون تومان می شود، سال سوم ۴۰ میلیون دو برابر می شود، می شود ۸۰ میلیون تومان، سال چهارم ۸۰ میلیون تومان دو برابر می شود، می شود ۱۶۰ میلیون تومان، سال پنجم دو برابر می شود، می شود ۳۲۰ میلیون تومان، سال ششم می شود ۶۴۰ میلیون تومان، یعنی شما در عرض ۶ سال - که اگر خیلی حرفه ای عمل کنید، این بازه می تواند خیلی کمتر از این باشد و به ۴- ۵ سال هم برسد- ۱۰ میلیون را



بزرگان بورس در مواجهه با اخبار و شایعات بیشتر به دنبال نظر کارشناسان هستند یک بازنده به سوی شایعات می دود.

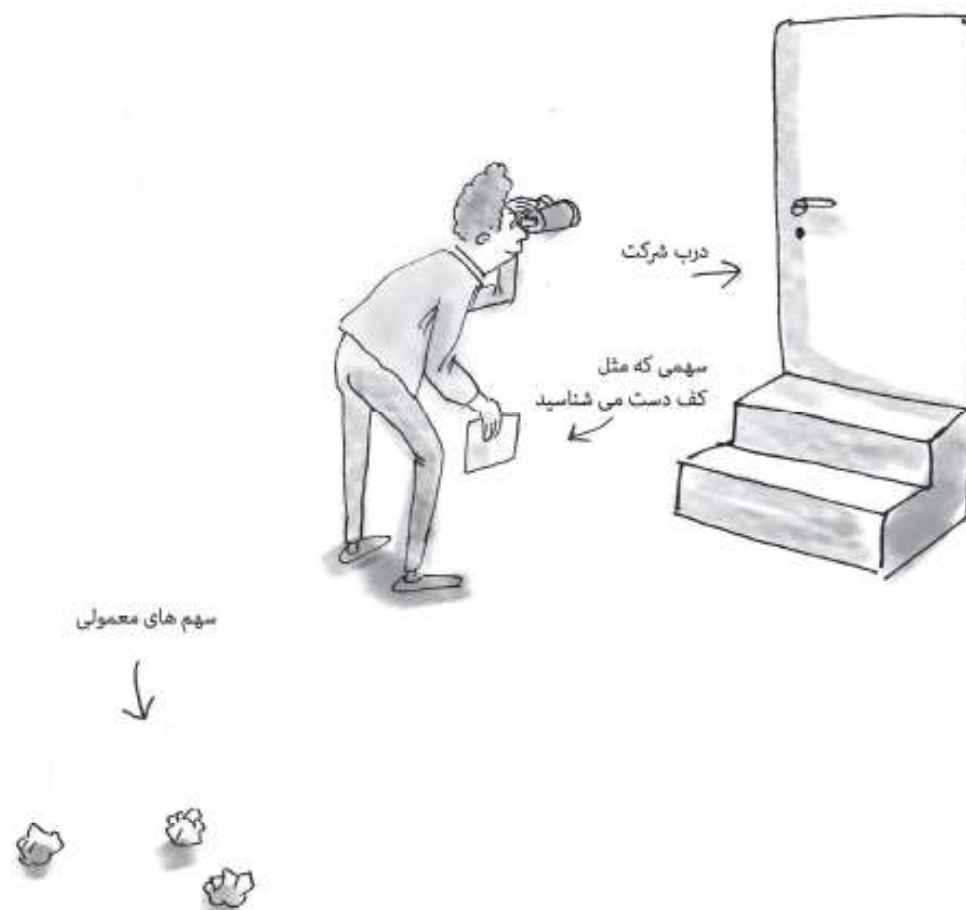
به ۶۴۰ میلیون تومان، تبدیل کرده اید، یعنی ۶۴ برابر سود کرده اید، اینجاست که شما به صورت حرفه‌ای و پیوسته یاد گرفته اید در بورس سودهای بزرگ بکنید و این سودهای بزرگ معمولاً با تشکیل سبد ایجاد نمی‌شود، بلکه با خرید روی سهم‌های خاص و با تعداد محدود انجام می‌شود، در این میان ریسک هم وجود دارد ولی هر چه شما آگاهی خود را بالا ببرید و بیشتر تحقیق کنید، تحلیل تکنیکال و تحلیل بنیادی انجام دهید و نظر کارشناسان مختلف را جویا شوید قطعاً انتخابتان دقیق‌تر و رسیدن به این هدف سریع‌تر می‌شود.

اصلاً این حساب و کتاب را کنار بگذاریم. این روش سرمایه‌گذاری، روش بسیاری از بزرگان بورس است. من در این مدت که کار کرده‌ام افراد بسیاری را دیده‌ام که سودهای خوبی در بازار داشته‌اند، این افراد، افرادی هستند که معمولاً یکی دو سه سهم را با اطمینان پیدا می‌کنند و روی آن‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند. اجازه دهید در پایان جلسه امروز چند موضوع را مطرح کنم تا جلسه ناقص نماند، اول این که این بزرگان بر اساس تحقیقات و بررسی‌های زیاد و اطلاعات کامل و با دانش بالا اقدام به این خریدها می‌کنند. متوجه شدم همین شرکت سرمایه‌گذاری که در مورد آن با شما صحبت کردم، برای تحلیل این دو سهمی که ماجرای آن را شنیدید، اسناد و مدارک زیادی دارند که تحلیل‌گران مختلف آن‌ها را بررسی کرده‌اند.



چندین تحلیل بنیادی به اندازه چند کتابچه از این سهم‌ها داشتند و نظر کارشناس‌های مختلف بازار را می‌گرفتند، یعنی با تحقیق و بررسی بسیار بالایی خرید می‌کردند. هیچگاه این کار را صرفاً با شنیده‌ها، شایعه‌ها و خبرهای سری که خیلی‌ها به آن رانت می‌گویند، انجام نمی‌دهند، حتی اگر رانت هم داشته باشند بررسی خودشان را به طور کامل انجام می‌دهند و تحقیق می‌کنند. یعنی پایه و اساس کارشان بر اساس تحقیق، بررسی و مطالعه، علم، تحلیل تکنیکال، تحلیل بنیادی، و نظر کارشناسان است و بعد نیم‌نگاهی به اخبار و شایعات و حرف‌هایی که از این طرف و آن طرف می‌شنوند می‌اندازند.

در جلسه آینده در مورد نکات جالب تری صحبت می‌کنیم که به چگونگی انتخاب این سهم‌ها و آگاهانه انتخاب کردن سهم‌ها مربوط می‌شود؛ اما به طور خلاصه برای این جلسه، این خروجی را می‌خواهیم و این تفکر را در خودمان ایجاد و تقویت می‌کنیم که تشکیل پرتفولیوی متشکل از چندین سهم با اینکه کار خوبی است اما کار بزرگان بورس نیست، کار افرادی است که می‌خواهند به بورس به عنوان یک کار روتین و با یک سود معمولی نگاه کنند. آن کسی که می‌خواهد به رشدهای بسیار بالایی در بورس دست یابد و درصدهای بالایی از بورس سود ببرد که زندگی‌اش متحول شود، جزء بزرگان بورس است و این بزرگان محدود هستند، رسیدن به آن سطح کار بسیار سختی است؛ بنابراین



داشتن یک سهم خوب بهتر از ۵ سهم معمولی است زیرا شما آن را بهتر انتخاب و مدیریت می‌کنید، انرژی شما به جای تقسیم شدن در انتخاب ۵ سهم در انتخاب یک سهم متمرکز می‌شود و می‌تواند آن را کاملاً از زوایای مختلف بررسی کنید، تا بهترین گزینه ممکن در بازار انتخاب کنید، حتی می‌توانید به درب شرکت بروید و شرکت را از نزدیک بررسی کنید!

اینطور آنقدر این شرکت را می‌شناسید که دیگر ریسک شما به شدت کاهش می‌یابد!

یادتان نرود داشتن یک سهم یا تعداد محدودی سهم در سبد سهام صرفاً در حالتی ممکن است که آن سهم‌ها را مثل کف دستتان بشناسید.

شما باید در انتخاب آگاهانه تک سهم‌هایی که قرار است زندگی شما را متحول کند بسیار تلاش کنید؛ ما این تفکر را داریم که برای ثروتمند شدن و بزرگ بودن در این بازار باید بتوانیم تعداد محدودی سهم پیدا کنیم و نهایتاً انتخاب آگاهانه‌ای روی یک، دو یا سه سهم داشته باشیم و سپس روی این انتخاب‌های آگاهانه، سرمایه‌گذاری کنیم.

شما باید در انتخاب آگاهانه تک سهم‌هایی که قرار است زندگی شما را متحول کند بسیار تلاش کنید.

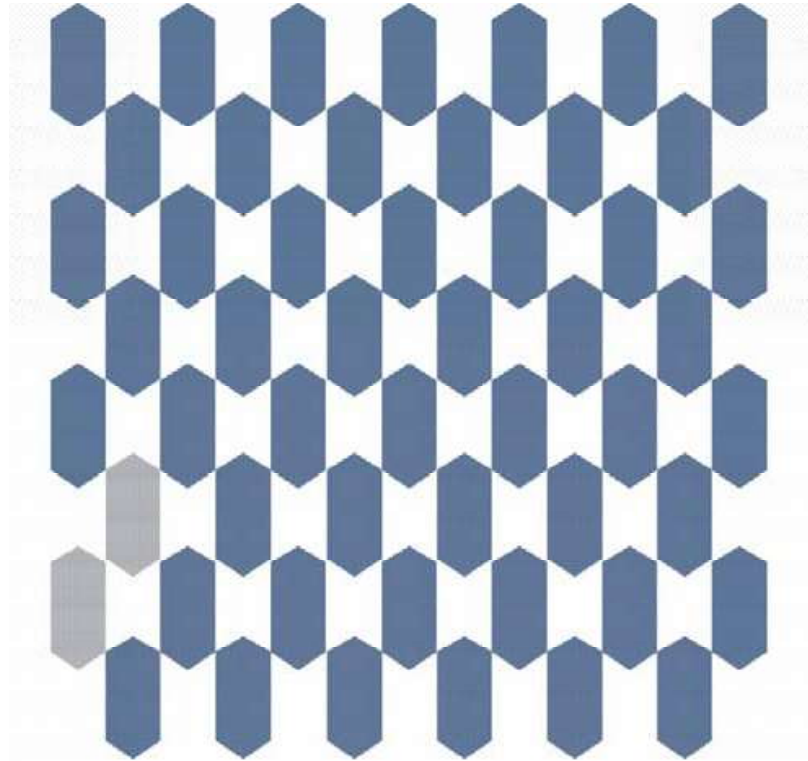
در انتها برای تأیید جلسه‌ی امروز جمله‌ای از کتاب مارک تایر در مورد اصول موفقیت وارن بافت، یکی از موفق‌ترین سرمایه‌گذاران بازار بورس می‌خوانیم که ثروت خودش را از طریق سرمایه‌گذاری در بازار بورس به دست آورده است. ما خیلی افراد ثروتمند در دنیا داریم که از طرق مختلفی ثروتمند شده‌اند، مثلاً بیل گیس از طریق راه‌اندازی شرکت مایکروسافت ثروتمند شده است ولی وارن بافت توانسته است از طریق بورس و سرمایه‌گذاری در بورس ثروتمند شود. شما در کتاب مارک تایر این جمله را می‌خوانید: «سابقه‌ی خیره‌کننده‌ی وارن بافت از تشخیص تعداد محدودی سهم‌های برجسته و سپس سرمایه‌گذاری کلان تنها در همین چند شرکت ناشی می‌شود».

وارن بافت؛ «سابقه‌ی خیره‌کننده‌ی وارن بافت از تشخیص تعداد محدودی سهم‌های برجسته و سپس سرمایه‌گذاری کلان تنها در همین چند شرکت ناشی می‌شود».



چیزی که باعث موفقیت شما در سرمایه‌گذاری می‌گردد تمرکز است. نور خورشید به تنهایی نمی‌تواند کاغذ را بسوزاند اما با تمرکز نور خورشید در یک نقطه این اتفاق رخ می‌دهد.





جلسه دوم



سرتان را بدون ریسک در دهان شیر کنید

موضوعی که در این فصل در مورد آن صحبت می‌کنیم این است که بزرگان بورس معمولاً در خرید و فروش در بورس تا چه اندازه ریسک می‌کنند. آیا به این دلیل که بزرگان بورس سودهای بالایی می‌کنند، باید انتظار داشته باشیم ریسک آن‌ها در سرمایه‌گذاری بالا باشد، یا پایین؟ جواب شما به این سؤال چیست؟

قبل از آنکه از ویژگی‌های یک سرمایه‌گذار بزرگ برای شما بگوییم، می‌خواهم در مورد نموداری صحبت کنم با

عنوان ریسک‌بازده. در این نمودار شما می‌بینید که هر چه ریسکتان را افزایش دهید امکان بازده (سود) شما افزایش می‌یابد، از طرف دیگر هر چقدر ریسک خود را زیاد کنید احتمال ضرر شما هم زیاد می‌شود. خیلی از افراد برای سود بیشتر در بورس این نمودار را انتخاب می‌کنند و فکر می‌کنند برای اینکه بتوانند سود زیادی در بورس کسب کنند باید ریسک بالایی را نیز پذیرا باشند.

موضوع این است که در واقع ما نمودار دیگری داریم به نام آگاهی و ریسک. شما در این نمودار می‌بینید که هر چه آگاهی شما نسبت به یک موضوع افزایش پیدا کند، ریسک شما کاهش پیدا می‌کند و وقتی که ریسک شما کاهش پیدا می‌کند در اصل در این نمودار آگاهی شما افزایش پیدا کرده است و این آگاهی دلیل کاهش ریسک است.

ما نمودار دیگری داریم به نام آگاهی و ریسک. شما در این نمودار می‌بینید که هر چه آگاهی شما نسبت به یک موضوع افزایش پیدا کند، ریسک شما کاهش پیدا می‌کند

واقعیت این است که سرمایه‌گذار بازنده فکر می‌کند سودهای کلان در بورس تنها از طریق پذیرش ریسک‌های بزرگ به دست می‌آید. اما ماجرا بسیار متفاوت است و بزرگان بورس اصلاً چنین سرمایه‌گذاری‌هایی انجام نمی‌دهند. شاید شنیدن این جمله برای شما تعجب‌برانگیز باشد اما بزرگان بورس به شدت ترسو و ریسک‌گریز هستند.

به شدت نسبت به ریسک در بورس و خرید و فروش سهام با ریسک ترس دارند. ترس علت پیروزی آنهاست و باعث شده است آنها به یکی از بزرگان بورس تبدیل شوند.

واقعیت این است که سرمایه‌گذار بازنده فکر می‌کند سودهای کلان در بورس تنها از طریق پذیرش ریسک‌های بزرگ به دست می‌آید. اما ماجرا بسیار متفاوت است و بزرگان بورس اصلاً چنین سرمایه‌گذاری‌هایی انجام نمی‌دهند. شاید شنیدن این جمله برای شما تعجب برانگیز باشد اما بزرگان بورس به شدت ترسو و ریسک‌گریز هستند.

در واقع ماجرا اینجاست که وقتی شما ریسک بالایی را قبول می‌کنید، این موضوع را تضمین نمی‌کنید که سود زیادی کسب می‌کنید. تکرار می‌کنم، دوستان به این جمله دقت کنید، در اصل ماجرا اینجاست که وقتی شما ریسک بالایی را قبول می‌کنید این را تضمین نمی‌کنید که سود زیادی می‌کنید. صرفاً می‌پذیرید که حاضرید برای به دست آوردن مقداری پول، بسیاری از سرمایه خودتان را به خطر بیندازید. یا به زبان ساده‌تر حاضرید برای به دست آوردن میلیون‌ها تومان، میلیون‌ها تومان و بلکه مقداری بیشتر از سرمایه خودتان را در شرایط احتمالی از دست بدهید.

تا اینجا فهمیدید که بزرگان بورس بر خلاف اسمشان که بزرگان بورس هستند در مقابل ریسک، ترسو و گریزان هستند. اما شاید از خود سؤال کنید چطور می‌شود ریسک



وقتی شما ریسک بالایی را قبول می کنید، این موضوع را تضمین نمی کنید که سود زیادی می کنید.

نکنیم ولی سود بالایی بکنیم؟ جواب این سؤال را با چند سؤال از خودتان پاسخ می‌دهم. به نظر شما فردی که در سیرک با دست خالی روی طناب نازکی راه می‌رود ریسک می‌کند یا نه؟ یا فردی که در سیرک سر خودش را در دهان شیر می‌برد، ریسک می‌کند یا نه؟ فرض کنیم که شما به جای او هستید و روی طناب نازکی و در ارتفاعی بلند در حال حرکت هستید، جمعیت زیادی هم سروصدا می‌کنند و قرار است شما از روی این طناب رد شوید، قطعاً تصور می‌کنید ریسک خیلی بالایی دارد، یا اگر قرار باشد سرخود را داخل دهان شیری ببرید که دندان‌هایش دیده می‌شود و بسیار وحشی است، با وجود این که انتظار داشته باشید که دهانش را نبندد و سر شما جدا نشود، باز با خود می‌گویید که ریسک است. آری واضح است که خیلی ریسک بالایی دارد اگر جای آنها باشید. اما فردی که این کار را می‌کند و بارها و بارها



بزرگان بورس برخلاف اسمشان که بزرگان بورس هستند در مقابل ریسک ترسو و گریزان هستند.

در روز و در سال این کار را انجام می‌دهد، آیا همیشه اینقدر ریسک می‌کند؟ خیر. در واقع او اینقدر مهارت پیدا کرده است که کاری که برای شما غیرعادی است و ریسک بالایی دارد، برای او به یک کار روزمره تبدیل شده است و هر روز با خیال راحت برای به دست آوردن رزق و روزی خودش انجام می‌دهد و هیچ ریسکی برایش ندارد.

نکته‌ی مهم کار بزرگان بورس هم همین جاست. آنها بدون داشتن مهارت سر خود را وارد دهان شیر نمی‌کنند. آن‌ها مدت‌ها وقت صرف کرده‌اند و هزینه‌های زیادی، چه مالی و چه زمانی، داده‌اند تا این مهارت را به دست آورده‌اند. در واقع دانش، درک، و تجربه آنها و قدرت تحلیلگری آنها و مهارت ایشان است که باعث می‌شود به عنوان بزرگان بورس شناخته شوند. در واقع بزرگان بورس در خرید و فروش سهام هیچ ریسکی را قبول نمی‌کنند. و مثل همان فردی که در سیرک سرخودش را وارد دهان شیر می‌کند مهارت این کار را پیدا کرده‌اند. فردی که کارش این است که سرش را در دهان شیر بکند و وظیفه‌اش راه رفتن روی طناب نیست، اگه به او بگویی برو روی طناب، نمی‌رود، او آدمی نیست که موفقیتش در سیرک به این علت باشد که ریسک‌پذیری بالایی دارد، موفقیتش به علت مهارتش است.

نکته‌ی مهم کار بزرگان بورس هم همین جاست. آن‌ها بدون داشتن مهارت سر خود را وارد دهان شیر نمی‌کنند. آن‌ها مدت‌ها وقت صرف کرده‌اند و هزینه‌های زیادی، چه مالی و چه زمانی، داده‌اند تا این مهارت را به دست آورده‌اند.

می‌خواهم برای شما مثال بزرگان بورس و بازندگان بورس را مطرح کنم. فرض کنید بازنده‌ی بورس و بزرگ بورس هر دو روی یک میز کنار هم نشسته‌اند و هر دو در حال مطالعه سایتی هستند یا پیامکی از دوستی، یا کارشناسی به دستشان می‌رسد، یا حرفی از دوستان گفته می‌شود، این دو در جمع، دور همان میزی نشسته‌اند، که آنجا گفتگوهای مبنی بر اینکه این سهم خوب است و یا به این دلایل خوب است و صحبت‌هایی از این قبیل انجام می‌شود. در همین جمع و همین جا فرق بازنده‌ی بورس و بزرگ بورس مشخص می‌شود.



کاری که در آن خیره می‌شوید، دیگر برای شما ریسک نیست.



یک بازنده بدون تکیه بر هیچ سند و مدرکی می‌تواند یک سهام را مال خود کند.

بازنده بورس به محض شنیدن این گفتگوها احساس می‌کند فرصت خیلی خوبی است با این که می‌داند باید تحقیق بیشتری انجام بدهد، اما انجام نمی‌دهد چرا؟ به دو دلیل: یا علمش را ندارد، یا حوصله و زمانش را. اما برای بزرگ بورس خواندن پیامک یا مطلب در سایت تازه شروع کارش است، تازه اول کار آن بزرگ بورس است. بازنده‌ی بورس به محض اینکه آن مطلب را می‌خواند اقدام به خرید می‌کند، شاید هم سود کند ولی در مجموع و در طولانی مدت چیزی جز ضرر عایدش نمی‌شود. بازنده‌ی بورس در اصل چوب این بی‌حوصلگی و عدم علمش را در آینده خواهد خورد. در واقع بازنده‌ی بورس می‌گوید: من حاضرم پول زیادی را اینجا از دست بدهم به بهای این احتمال که شاید پول

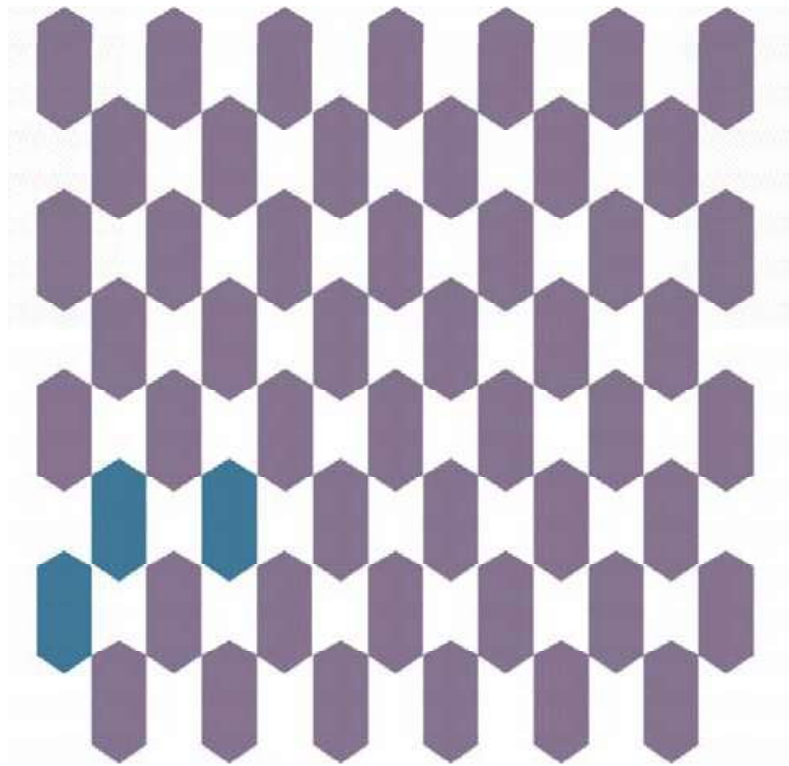
زیادی به دست بیاورم. اما بزرگ بورس بعد از خواندن این مطلب، سایت یا پیامک تازه شروع به کار می کند. شروع می کند به تحقیق، تحلیل، بررسی، پرسیدن نظر کارشناسان مختلف، هزینه کردن برای اینکه مطمئن شود که آیا آن سهم، سهم خوبی هست یا نه، هزینه می کند.

در اصل بازنده‌ی بورس ریسک بالایی می کند تا سود بالایی به دست بیاورد، و مطمئناً در بلند مدت ضررهای سنگینی به او وارد می شود، یا اینکه سعی می کند ریسک خودش را با تنوع بخشیدن به سبد سهامش کاهش بدهد، موضوعی که در یکی از جلسات در موردش صحبت می کنیم، که باعث کم شدن سودش در بلندمدت می شود. تنوع بخشیدن باعث کاهش ریسک می شود ولی کم شدن سود را هم به همراه دارد. اما بزرگ بورس ریسک بالایی را نمی پذیرد، به جای اینکه ریسک خودش را با تنوع بخشیدن زیاد به سبد سهامش کاهش بدهد یا در سبد سهامش دهها سهم داشته باشد، سعی می کند تعداد سهامش را محدود کند، اما با تحقیق و تحلیل بالا و آگاهی بسیار بسیار بالا، سهم مورد نظرش را انتخاب می کند. دوستان اگر فرض کنیم این بزرگ بورس ما بتواند در سال بیش از دو سه برابر به ثروت خودش اضافه کند، آیا این موضوع و رسیدن به این موفقیت ارزشش را دارد که شما تحلیل تکنیکال و بنیادی را به نحو احسن یاد بگیرید و برایش زمان بگذارید؟ آیا این سود دو سه برابر و بیشتر در سال ارزشش را دارد که



با چندین کارشناس و پرداخت هزینه‌ی آن‌ها سهام مورد نظرتان را به دقت بررسی کنید؟ آیا ارزش این را دارد که ساعت‌ها و روزها تحقیق کنید تا بالأخره این فرصت و سهم مناسب در بورس را پیدا کنید؟ اگر یک حساب و کتاب سرانگشتی بکنید می‌بینید که بله، می‌ارزد.

اما بزرگ بورس ریسک بالایی را نمی‌پذیرد، به جای اینکه ریسک خودش را با تنوع بخشیدن زیاد به سبد سهامش کاهش بدهد یا در سبد سهامش ده‌ها سهم داشته باشد، سعی می‌کند تعداد سهامش را محدود کند، او با تحقیق و تحلیل بالا و آگاهی بسیار بسیار بالا، سهم مورد نظرش را انتخاب می‌کند.



جلسه سوم

